

عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته
توسط ربای ساکس

تفسیر تورات

پاراشای هفته: شופטים ۵۷۷۹

דסטר זיסט מחיט

רבאי לרד जानатан ساکس

Shoftim 5779

The Ecological Imperative

تورات در قانونگذاری برای جنگ، یک نکته نسبتاً جزئی منظور می دارد که به پایه میدان گسترده ای از مسئولیت انسانی تبدیل شده و امروزه دارای پیامدهای مهم است. این پاراشا به جنگی می پردازد که نیاز به محاصره یک شهر دارد:

وقتی شهری را برای مدت طولانی محاصره کرده، برای تسخیر آن می جنگی، درختان آنها را توسط تبر قطع نکن، زیرا می توانی میوه های آنها را بخوری. این درختان را قطع نکن. آیا درختان هم مردمان شهر هستند که باید آنها را تسخیر کنی؟ اما تا وقتی

شهری که با آن می جنگی سقوط کند، می توانی درختانی را که می دانی میوه نمی -
دهند قطع کنی و از آنها ابزار محاصره درست کنی. (تثنیه ۲۰-۱۹:۲۰)

تورات می خواهد بگوید که جنگ، ویرانی ناگزیر به بار می آورد. از این رو بالاترین ارزش در یهودیت، صلح است. اما میان ویرانیِ ضروری و ویرانیِ غیرلازم تفاوت هست. درختان، منبعی برای تهیهٔ چوب جهت ساخت ابزارهای محاصره هستند. اما برخی درختان میوه ده همچنین منبعی برای غذا می باشند. از این رو، آنها را قطع نکن.

بیجهت خود و دیگران را از یک منبع غذایی محروم نساز. در جریانِ جنگ به تاکتیکِ زمینِ سوخته متوسل نشو.

اما حکیمان تلمودی در این دستور چیزی بیش از یک ریزه کاری در قوانین جنگ دیدند. آنها همچون یک *binyan av* [قانون منتج شده از یک یا چند آیه] دیدند؛ نمونه ای خاص از یک اصل کلی. آنها این منع را *bal tashchit* نامیدند، منع ویرانگری بیجهت از هر نوع. موسی بن مایمون آنها چنین خلاصه می کند: "نه تنها این قانون در مورد درختان است، بلکه همچنین خطاب به هر کسی است که ظروف را بشکند یا جامه ها را پاره، ساختمان ها را ویران و چاه ها را مسدود کرده، *bal tashchit* را زیر پا بگذارد." ^۱ این پایه ای هلاخایی برای یک مسئولیت زیست محیطی است.

چه چیز مشخص می کند که یک دستور توراتی باید در همان محدوده فهمیده شود یا می تواند گسترش یابد؟ چرا حکیمان این قانون جزئی را گرفتند و از آن یک میدانِ هلاخایی درست کردند؟ چه چیزی حکیمان را به این راه کشاند؟

^۱ Maimonides, *Mishneh Torah*, Hilchot Melachim 6:10.

ساده ترین پاسخ در واژه "توراه" نهفته است. توراه [تورات] کتاب قانونی است که شباهت به هیچ کتاب دیگر ندارد، زیرا نه تنها قوانین که روایت ها، تبارنامه ها، تاریخ و سرودهایی را نیز دربردارد. قانون از دید توراه در بستر دنیای گسترده ای از معناها قراردارد. آن معناها به ما کمک می کنند که پیش زمینه و منظور هر قانونی را بفهمیم.

به این گونه است: ابتدا و در درجه نخست، زمین مال ما نیست. به آفریدگار، خود خدا، تعلق دارد. این نکته اساسی فصل اول تورات است: "در ابتدا خداوند....آفرید." او آنرا ساخت، پس حق دارد قوانینی بگذارد که ما مانند میهمانان او زندگی کنیم.

این منطق، بیدرنگ در روایت نخستین انسان ها نقش بازی می کند. در باب اول پیدایش، خداوند به بشریت چنین دستور می دهد: "زمین را پر ساز و بر آن حکمرانی کن، بر ماهی دریا و پرندگان آسمان و هر موجود جنبنده بر زمین فرمانروایی نما" (۱:۲۸). "حکمرانی کن" و "فرمانروایی نما" فعل های دال بر حاکمیت هستند. اما در باب دوم پیدایش دو فعل بس متفاوت به کار می روند. خدا نخستین انسان را در باغ جای داد تا آنرا "خدمت کند" [le'ovdah] و "محافظت نماید" [leshomrah ۲:۱۵]. این فعل ها به زبان مسئولیت تعلق دارند. واژه اول le'ovdah به ما می گوید که بشریت فقط ارباب نیست، بلکه همچنین خدمتگذار طبیعت است. واژه دوم leshomrah واژه ای است که در قوانین بعدی تورات به کار می رود تا نشانگر مسئولیت های کسی باشد که عهده دار نگهداری چیزی است که به او تعلق ندارد.

چگونه باید این تنش میان دو باب آغازین را فهمید؟ خیلی ساده: باب اول پیدایش به ما درباره آفرینش و طبیعت می گوید و این واقعیتی است که علوم طبیعی در آن کاوش می کند. باب اول درباره بشریت همچون یک نوع زیست شناختی، همو ساپینس، سخن می گوید. نکته بارز در مورد بشریت همچون یک نوع زیست شناختی، دقیقاً، قدرت های خداگونه حاکمیت بر

طبیعت و اعمال کنترل بر نیروهای شکل دهنده به دنیای فیزیکی است. این در واقع، یک ارزش نبوده و در طول دوره نسبتاً کوتاهی در تمدن بشری به صورت شتابنده به ارزش بدل شده است. همان گونه که جان اف کندی در نطق آغازین ریاست جمهوری خود گفت: "انسان در دستان میرای خود قدرت الغای همه شکل های فقر در همه شکل های زندگی انسانی را دارد."² قدرت، خنثی است و می تواند هم برای درمان و هم آسیب رسانی، سازندگی یا ویرانگری به کار رود.

باب دوم پیدایش، برعکس، به اخلاق و مسئولیت مربوط می شود. ما مجاز به انجام هر کار که می توانیم نیستیم. این باب، پیرامون محدودیت های اخلاقی قدرت سخن می گوید. ما قدرت داریم اما مجوز نداریم؛ توانایی داریم، اما حق نداریم. زمین مال ما نیست. زمین متعلق به خدا است که آنرا آفریده است. بنابر این ما نه صاحبان طبیعت، بلکه محافظان آن هستیم. ما اینجا هستیم تا به طبیعت خدمت و از آن محافظت نماییم.

این نکته توضیحی است بر روایت بعدی در مورد آدم، حوا، مار و میوه ممنوع. این که میوه چه بود، چرا مار سخن گفت، و ماهیت گناه اول چه بود، اینها همه اهمیت درجه دوم دارند. نکته درجه اول تورات این است که حتی در بهشت، محدودیت هایی وجود دارد. میوه ممنوعه ای وجود دارد. مجاز به انجام هر کاری که می توانیم نیستیم.

چند اصل اخلاقی اغلب و متأسفانه نادیده گرفته می شوند. سابقه دخالت انسان در نظم طبیعت، مَهر ویرانگری های عظیم بر خود دارد.³ در طول هزار سال، نخستین ساکنان آمریکا از قطب شمال به جنوبی ترین نقطه پاتاگونیا سفر کرده، فاصله دو قاره را پیموده و در طول راه، بیشترین

² Washington, DC, January 20, 1961.

³ Jared Diamond's *Guns, Germs, and Steel* (New York: W. W. Norton, 1997) and *Collapse: How Societies Choose to Fail or Succeed* (New York: Viking Penguin, 2005) are classic texts on the subject.

انواع پستانداران بزرگ را که بعدها منقرض شدند، از بین بردند؛ از آن میان می توان ماموت ها، فیل های وحشی، گرازها، شترها، اسب ها، شیرها، میمون های چیتا، و خرس ها را نام برد.

وقتی در ابتدای قرن نوزدهم نخستین کلنیست های بریتانیایی به نیوزلند رسیدند، خفاش ها تنها پستانداران خشکی بودند که یافتند. اما آنها ردپای پرنده ای بزرگ شبیه شتر مرغ را پیدا کردند که ماووریس ها آنها را "موا" نامیدند. سرانجام، اسکلت های دوازده تا از این انواع جانوری کشف شدند که از سه تا ده فوت بلندی داشتند. بقایای بیست و هشت نوع دیگر پیدا شدند که در میان آنها مرغابی ها، اردک ها، غازها، پلیکان ها، قوها، جغدها و عقاب ها بودند. جانورانی که پیشتر لازم نبوده با شکارچیان انسان روبه رو شوند، به آسانی با انسان همزیست شدند و موواریس ها توانستند به منبع غذایی آسانی دست یابند.

انگاره مشابهی را می توان تقریباً در همه جاهایی یافت که انسان ها پا گذاشته بودند. آنها بیشتر تمایل به توانایی حکمرانی و فرمانروایی دارند تا به ذهنیت مسئولیت "خدمتگذاری" یا "محافظت". میدراشی قدیمی این امر را به گونه ای جمع بندی می کند که عمیقاً با آگاهی زیست محیطیِ معاصر همخوانی دارد: وقتی خداوند آدم را خلق کرد، پرده سراسری آفرینش را به او نشان داد و گفت: تمام کارهای مرا ببین که چه زیبا هستند. هر آنچه خلق کرده ام، برای تو آفریده ام. بنابر این، مراقب باش که دنیای مرا ویران نکنی، زیرا اگر چنین کنی، هیچ کس باقی نمی ماند تا آنچه تو ویران کرده ای را بازسازی کند.⁴

مسئولیت زیست محیطی، یکی از اصول زیربنایی سه دستور مهم درمورد استراحت های ادواری است: شبات، سال شمیطا، سال یوول. در شبات هر گونه کار کشاورزی ممنوع است، "تا گاو و الاغ تو استراحت کنند." (خروج ۳۲:۱۲). این دستور بر دخالت ما در طبیعت و دنبال کردن رشد اقتصادی، محدودیت می گذارد. به خود یادآور می شویم که ما فقط مخلوق خدا

⁴ Ecclesiastes Rabbah 7:13.

هستیم نه خالق. شش روز زمین به دست و کار ما سپرده شده، اما در روز هفتم نباید هیچ کاری انجام دهیم، یعنی هیچ عملی که وضعیتی را بر اساس مقاصد انسانی تغییر دهد. بنابر این، شبات یک یادآوری هفتگی است از اصالت طبیعت و محدودیت دخالت انسان.

همان کاری که شبات برای انسان ها و جانوران انجام می دهد، سال شمیطا و سال یوول برای زمین انجام می دهند. زمین نیز حق استراحت دوره ای دارد. تورات هشدار می دهد که اگر بنی اسرائیل این دستور را جدی نگیرند، به رنج تبعید دچار خواهند شد: "آن گاه زمین جبران سال های شمیطا را زمانی می کند که متروک بيفتد و شما در سرزمین دشمن به سر ببرید؛ آن گاه زمین استراحت کرده، جبران سال های شبات خود را خواهد نمود." (لاویان ۲۶:۳۴). پشت چنین گفتاری دو ملاحظه نهفته است. یکی از آنها زیست محیطی است. به نظر موسی بن مایمون، زمینی که از آن بیش از حد بهره کشی شود، سرانجام فرسوده شده، حاصلخیزی خود را از دست می دهد. از این رو به بنی اسرائیل دستور داده شد که از خاک محافظت کرده، با استراحت دادن متناوب و سال های نکاشتن زمین، به دنبال کسب سود کوتاه مدت نبوده، فرسودگی بلند مدت را دامن نزنند.⁵

دومین ملاحظه که همان اندازه مهم است، خداشناسانه است: خداوند می گوید "زمین مال من است؛ شما تنها تازه واردها و ساکنان موقتی برای من هستید" (لاویان ۲۵:۲۳). ما بر روی زمین مهمان هستیم.

مجموعه دیگری از دستورها برای مقابله با دخالت لجام گسیخته در طبیعت است. تورات جفت گیری میان انواع جانوری، کشت یک زمین با چند نوع بذر و پوشیدن لباسی بافته شده از پشم و کتان را ممنوع می کند. این قواعد، حوکیم یا احکام نام دارند. سامسون رافایل هیرش (آلمان، ۱۸۰۸-۱۸۸۸) در قرن نوزدهم مانند نحمانیدس در شش قرن پیش از آن، حوکیم را

⁵ Maimonides, *Guide for the Perplexed*, III:39.

قواعدی دانست برای احترام به اصالتِ طبیعت. حوکیم این اصل را نمایندگی می کنند که همان حرمتی را که به انسان می گذاری، باید به هر مخلوق پایینتر، زمینی که همه چیز را در خود نگه می دارد، و به دنیای گیاهان و جانوران نیز بگذاری. " این احکام گونه ای عدالت اجتماعی برای دنیای طبیعت هستند: از شما می خواهند که همه موجودات زنده را مایملک خداوند بدانید. هیچ یک را نابود نکنید؛ هیچ یک را آزار ندهید؛ هیچ چیز را هدر ندهید؛ از همه چیز عاقلانه استفاده کنید... به همه مخلوقات به گونه ای بنگرید که گویی خدمتگذار خاندان خلقت هستید." ⁶

پس اتفاقی نبود که قانون یهود، منع قطع درختان میوه در طول جنگ را همچون نمونه ای تفسیر می کند از یک قانون عام تر برای مقابله با ویرانگری بیجهت و همچنان کلی تر از آن، برای مقابله با کارهایی که زمین را از منابع تمديد نشدنی آن خالی کرده، به سیستم محیط زیست آسیب رسانده، به نابودی انواع می انجامد.

واسلاو هاول در اثر خود به نام *هنر ناممکن* به نکته ای اساسی اشاره دارد: "معتقدم که ما بخت اندکی داریم برای جلوگیری از یک فاجعه زیست محیطی، مگر آنکه دریابیم ما نه اربابان هستی، بلکه فقط بخشی از هستی می باشیم." ⁷ به این دلیل، داشتن دورنمایی ایمانی در این زمینه بس اهمیت دارد تا به ما یادآور شود که ما صاحبان منابع زمین نیستیم. آنها نه به ما بلکه به خدای ابدی و ابدیت تعلق دارند. از این رو اجازه نداریم که بیجهت، منابع زمین را نابود کنیم. اگر چنین قانونی حتی در زمان جنگ واجب است، پس در دوران های صلح بسی بیشتر باید رعایت شود. "زمین و هر چه در آن هست به خداوند تعلق دارد" (مزامیر داوود ۲۴:۱). ما به نمایندگی خداوند و برای نسل های آینده، نگهبانان زمین هستیم.

⁶ Samson Raphael Hirsch, *The Nineteen Letters*, letter 11.

⁷ Václav Havel, *The Art of the Impossible* (New York: Knopf, 1997), 79.



برای دیگر آثار ربای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - www.rabbisacks.org
کلیه حقوق محفوظ است • دفتر ربای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط
شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian